

غیر محرمانه

اسماعیلی در درگیری کشته شد

در روزهای گذشته رسانه‌های معاند ادعاهایی را در مورد فردی به نام «موسی اسماعیلی» منتشر و عنوان کردند فرد مورد اشاره در زندان ارومیه و زیر شکنجه کشته شده است. موسی اسماعیلی سال ۹۷ به اتهام عضویت در گروهک تروریستی دموکرات به زندان می‌افتد و پس از تحمل دوران حبس در اسفند ماه سال ۹۸ از زندان آزاد می‌شود. موسی اسماعیلی در ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ در حالی که مسلح بوده با مأموران حافظ امنیت درگیر می‌شود و نهایتاً کشته می‌شود.

شهردار اراک برکنار شد

علیرضا کریمی شهردار اراک، روز سه‌شنبه با هشت رای موافق استیضاح و سه رای مخالف، از سوی اعضای شورای اسلامی این کلانشهر از سمت خود برکنار شد. در این نشست نامه استیضاح شهردار که به امضای هشت نفر از اعضا رسیده بود، قرائت و سوالات آنان از شهردار نیز قرائت شد. پس از برگزاری نشست استیضاح شهردار اراک، چهار گزینه، برای سرپرست معرفی شدند که «مجتبی قاسمی» با هفت رای موافق، برای این سمت برگزیده شد. «علیرضا کریمی» در هفتم مهرماه ۱۴۰۰ با کسب هشت رای موافق به عنوان شهردار اراک انتخاب شده بود.

اعلام جرم علیه روزنامه شرق

دادستانی تهران علیه مدیر مسئول روزنامه شرق، بابت انتشار مطالب مغالطه‌آمیز و غیرمستند در حوزه زنان اعلام جرم کرد. علی صالحی در این خصوص اظهار کرد: به دنبال انتشار چند گزارش در روزنامه شرق و شبکه اینترنتی وابسته به آن، با موضوع زن آزاری، مدیر مسئول و خبرنگاران آن رسانه جهت اخذ توضیح و ارائه مستندات به دادستانی تهران دعوت شدند. وی افزود: با عنایت به اینکه توضیحات و مستندات ارائه شده از سوی مدیر مسئول روزنامه شرق و همکاران ایشان قانع‌کننده و کافی نبود؛ پرونده‌ای تشکیل و جهت رسیدگی به اتهام ایشان و سایر عوامل مربوطه به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش آذهنان عمومی و غیره به دادسرای فرهنگ و رسانه ارجاع گردید.

دلیل مرگ پیمان گلوانی

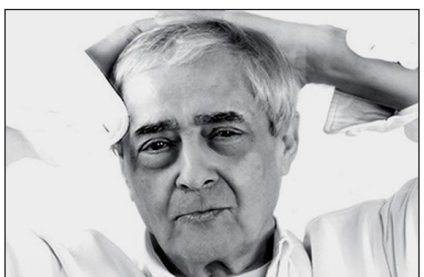
دادستان عمومی و انقلاب اسلامی مهاباد گفت: متهم «پیمان مام‌احمدی گلوانی» که به اتهام کلاهبرداری در این شهرستان بازداشت شده بود، به علت بیماری در یکی از مراکز درمانی شهر ارومیه فوت کرده است. مهربابور اکبر اظهار داشت: متهم «پیمان مام‌احمدی گلوانی» که به اتهام کلاهبرداری در این شهرستان بازداشت شده بود، به علت بیماری در یکی از مراکز درمانی شهر ارومیه فوت کرده است. وی با رد ادعاهای بی‌اساس مطرح شده در برخی رسانه‌ها و کانال‌های وابسته به معاندین، اظهار کرد: نامبرده دارای پرونده‌های متعدد کلاهبرداری اینترنتی در شهرهای ایلام، ملکشاهی، تهران، گرگان، کور، ارومیه و خمینی شهر بود و از سوی مراجع قضایی شهرهای مذکور تحت تعقیب قرار داشت.

به هر میزانی که آب رودخانه‌ها کم می‌شود ما شادمانه و بی تفاوت به جلو حرکت می‌کنیم و برای تفریح کردن هم به جویباری قانع می‌شویم. در برابر کم آبی سرزمینمان نگران نباشیم.



احمدرضا احمدی از دنیا رفت

خدا حافظ شاعر شعرهای موج نو!



آرمان ملی: احمدرضا احمدی، شاعر شعرهای موج نو در ۸۳ سالگی و پس از سال‌ها تحمل رنج بیماری قلبی، چشم از جهان فرو بست. فضای شعرهای احمدی و جهان کلمات او در دهه دوم زندگی‌اش نشان از ظهور شاعری داشت که می‌توانست نوید و نگاه تازه‌ای در این عرصه باشد. به این ترتیب احمدی با چاپ نخستین مجموعه شعرش در سال ۱۳۴۰ توجه بسیاری از نویسندگان، شاعران و منتقدان را به خود جلب کرد. احمدی، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۱۹ در کرمان به دنیا آمد؛ شاعر، نویسنده، نقاش و نمایشنامه‌نویسی که سبک موج نو در شعر معاصر فارسی را در دهه ۴۰ پایه‌گذاری کرد. سبکی که در ادامه به حرکت مدرنیستی تبدیل شد که در داستان، نمایشنامه، تئاتر، سینما و نقاشی تأثیرگذار بود. شعرهای او از ابتدا مورد حمایت فروغ فرخزاد قرار گرفت. احمدرضا احمدی در نودمین نشست کتاب ماه ادبیات و فلسفه که به مناسبت ۴ دهه فعالیت ادبی و فرهنگی او به بررسی کارنامه شعریش پرداخته بود، در این باره گفت: «کنون به روزگاران گذشته خیره می‌شوم، می‌بینم چهل سال از چاپ نخستین دفتر شعرم می‌گذرد. کتابی که با زمانه خویش آشتی‌ناپذیر بود. پس برای من دشمنانم آفرید. اما من این اقبال را داشتم که نخستین خواننده و حامی این کتاب، فروغ فرخزاد بود.» در

باران بارید، «رنگین‌کمانی که همیشه رخ نمی‌داد»، «شب روز اول و صبح روز هفتم»، «باز هم نوشتیم صبح، صبح شد»، «گوتر سفید کنار آینه»، «در یک شب مهتابی که شب چهاردهم ماه بود»، «در باغچه عروس و داماد رویداده بود»، «شب یلدا قصه بلندترین شب سال»، «خواب یک سیب، خواب یک خواب»، «حوض کوچک، قایق کوچک»، «روزهای آخر پاییز بود»، «در بهار پرند را صدا کردیم، جواب داد»، «تو دیگر از این بوته هزار گل سرخ داری» از آن جمله است. مراسمی که در سال ۱۳۷۸ و به پاس بزرگداشت احمدرضا احمدی برگزار شده بود، تندیس مداد پرند از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به او اهدا شد. او در پنجمین دوره جایزه شعر بیژن جلالی (سال ۱۳۸۵) به عنوان شاعر برگزیده انتخاب و در سال ۱۳۸۸ به عنوان نامزد دریافت جایزه هانس کریستین آندرسن معرفی شد. احمدی شاعر بزرگسالان و شاعر و قصه‌گوی کودکان بود؛ نویسنده‌ای که بیش از ۴۰ عنوان کتاب در حوزه کودک و نوجوان و بیش از ۵۰ عنوان اثر در حوزه شعر بزرگسال را در پرونده کاری خود دارد که آثاری چون «روزی که مه بی‌پایان بود»، «تاگهان چراغ‌ها روشن شدند»، «بهار بود»، «برف هفت گل بنفشه را پوشاند»، «شانی»، «نوشتن باران، تهران به نام او تغییر و نامگذاری شد.

یادداشت

به مناسبت درگذشت احمد رضا احمدی هجرت به سوی گل‌های ناشناس



محمد آزرم
شاعر و نویسنده

چرا من / هیچ‌وقت / از این بال‌های رنگارنگ / از این شب‌های متواری / نداشتم / بال‌هایم که در حریق‌های جمعه‌ها / سوخته بودند / به شب‌هایم مهر باطل زده بودند / من بدم جمعی‌ای خالی از بیسکویت / لیوانم شکسته / که آب در آن عمر محدودی / داشت / تنها دلخوشی من در این جهان / مشوش / شکوفه‌هایی بود / در پشت پنجرام / با فراموشی فصل / مبدل به پرند هایی / شده بودند / که مدام از روز تولدم / یادمی کردند

(احمدرضا احمدی، جنگل می‌سوزد ما نگاه می‌کنیم نشر کارگاه اتفاق، ۱۳۹۹، ص ۵۰)

احمدرضا احمدی که به قول خودش از آخرین خفتگان در ابر و باران بوده روح را مثل تنها دلخوشی‌اش پرند کرده و تن بی‌جان را مهیای کاشته شدن. او که از آخرین کسانی بود که هرچه می‌نوشت، راهی به شعر بازمی‌کرد؛ آن هم در زمانه‌ای که آخرین رده‌های شاعر در حال محو شدن است. با فعل ماضی از او سخن نگوئیم، برای تسکین شعر فارسی به بازی ادامه دهیم، مضارع و مستقبل باشیم.

احمدرضا احمدی برخلاف روایت شعری که نقل شد، در نوشتن همیشه بال‌های رنگارنگ و شب‌های متواری دارد. نگاهی سوررئالیستی کهنه از دانش نظری که از منطق خواب و خیال نشأت گرفته است. زبان حسی عاطفی شعر احمدی در متاخرترین آثار منتشر شده‌اش پیش‌برنده روایتی حسی عاطفی است که جز منطق شعر نامی ندارد.

شاعران / آخرین خفتگان / در ابر و باران‌اند / تا کسی از انسان / یاد نکند / از خواب بیدار نمی‌شوند / مگر آنکه در کنارشان / گل لادنی شادمان / بشکند / آن وقت است / که به دیدار برف / و باران / و ستارهای آسمان / می‌روند / (همان، ص ۴۸)

خیال‌پردازی احمدی گاهی زبان روزمره را چنان غریبه می‌کند که عبارتی مستعمل و از کار افتاده مثل «به دنبال نان بودن» جان می‌گیرد و شخصیت پیدا می‌کند و چنان بسط می‌یابد که تبدیل به قطعه‌ای شعر می‌شود:

یکی پس از دیگری / از این رودخانه عبور می‌کنند / صحبت از حسانت نیست / صحبت از تکه نان است / به دنبال تکه‌ای نان هستند / که آنطرف رودخانه / زیر سایه درختی / خفته است / اعتنا به کسی ندارد / احتیاج به کسی ندارد / همه کسانی که / به آن طرف رودخانه رسیدند / گمگام نبودند / فقط به دنبال تکه‌ای نان بودند / مهم نبود آن تکه نان / اجوان بود یا پیر بود / آنان اعتقاد داشتند / آن تکه نان / فقط تکه‌ای نان است. / (همان، ص ۵۱)

احمدرضا احمدی، استعاره را چنان به کار می‌گیرد و چنان آن را بسط می‌دهد که به جای آنکه چیزی جان‌نشین چیز دیگری شود، خوداستعاره تبدیل به چیزی جدید و عصری اصلی در روایت شعر می‌شود:

سایه‌ام از من رها / شده است / نمی‌دانم / مقصدش کجاست / حوصله ندارم / وقت ندارم / در جست‌وجوی سایه‌ام / باشم / شاید دیگران / در جست‌وجوی سایه من / باشند / تا آن را ببینند / و به من بدهند / آفتاب / فقط بر من / می‌تابد / (همان، ص ۸۵)

کار دیگری که احمدرضا احمدی در شعر انجام می‌دهد، ترکیب کلیشه‌های زبانی با خیال‌پردازی‌های انتزاعی است به نحوی که در کل قطعه شعر آشنایی‌زدایی صورت گیرد اما خود شعر نسبت به این تکنیک دارای آگاهی متنی باشد:

پرند ه‌ای که مرا بسا خود می‌برد / به سوی گل‌های ناشناس / کلبه دهقان در مه / توقف قطار در ایستگاه / مهیام نیست / شفاف و روشن است / این هجرت من با پرند / عشق را به یاد / آدمی می‌آورد / اگرچه می‌دانیم / این اتفاق دیر است / خیلی دیر است / و دور است / (همان، ص ۹۴)

سوررئالیسم درونی شده احمدرضا احمدی، دارای منطقی زمانی و مولود عصر سینماست، گرچه به جای رفتن به سمت اجرای زبانی، بروایتگری را برمی‌گزیند: صبح آرام آرام / از پشت پنجرام / عبور می‌کند / صبحی تنهاست / فقط دو و سه برگ خشک / خرگوشی سفید / اسبی سفید / همراه صبحاست / صبح تا ظهر / با آنها ذوب می‌شود / من از هم‌کانون / صدای ذوب شدن / برگ‌های خشک / خرگوش سفید / اسب سفید / و صبح را می‌شنوم. / (احمدرضا احمدی، خفتگان غرق در غسل و ابریشم، نشر کارگاه اتفاق، ۱۳۹۹، ص ۲۱)

در تصویرسازی‌های زبانی شعر همواره باید به این نکته توجه داشت که خلاقیت ایجاب می‌کند، روایتی پدید آید که سینما از نشان دادن آن ناتوان باشد. به عبارت دیگر روایت شعر نباید قابلیت بازنمایی یا تصویر سینمایی را داشته باشد. در شعری که از احمدرضا احمدی مثال زدیم، تنها بودن صبح و ذوب شدن آن، شعر را از تبدیل شدن به نوشته‌ای آماده برای ترجمه به زبان سینما نجات می‌دهد. هراس شاعر، شعر است و احمدرضا احمدی مثل شاعران راستین نمی‌تواند از این هراس بگذرد یا بگریزد حتی در روز تولدش که غنیمتی برای شعر فارسی است: هنوز هراس مرا / رها نکرده بود / که باران بر من بارید / شاید روز سی‌ام اردیبهشت بود / یا ساعتی قبل از آن روز / که آفتاب طلوع کرده بود / آرامشی ناپایدار / خوبی من شده بود / در روزهایی / که هراس با سماجت / از من دور نمی‌شد / سال‌ها آرام آمدند و رفتند / من از خودم گریخته بودم / اما نمی‌توانستم / از هراس بگریزم. / (همان، ص ۱۱۵)

بباید فراری بگذاریم و پرند ه‌ای که احمدرضا احمدی را با خود به سوی گل‌های ناشناس برده است، مرگ نام ندهیم؛ آن را یادآوری بنامیم تا شب‌های متواری را با شعر احمدرضا احمدی از بطلان نجات دهیم.

یاد

اینفوگرافیک

چطور در هوای گرم مراقب وسایل الکترونیکی باشیم؟

- وسایله‌ها و رودزاتون رو مستقیم خورشید ننگه دارید
- از فن خنک‌کننده لپ‌تاپ استفاده کنید
- تلفن همراه رو در جیب‌تون قرار ندید
- در هوای گرم، قاب تلفن همراه رو خارج کنید
- وسایل‌تون رو در فضای باز شارژ نکنید
- برای کاهش فوری دما وسایل‌تون رو در فریزر قرار ندید
- تلفن همراه‌تون رو در ماشین رها نکنید
- ابزارها تون رو در مکانی خنک و سایه دار ننگه کنید

دمای مناسب برای تلویزیون، ساعت هوشمند، لپ‌تاپ و تلفن همراه، ۲۵ درجه سانتیگراد هست.



حسین هدایت پور:

صنعت صداپیشگی در کشور روبه‌مرگ است

مدیر دوبلاژ پویانمایی «مرد عنکبوتی ۲» معتقد است: صنعت صداپیشگی در کشور در آستانه مرگ است و از آن حمایتی نمی‌شود. حسین هدایت‌پور در گفت‌وگو با ایرنا اظهار داشت: اساتیدی که هنرجویانی در صنعت صداپیشگی تربیت می‌کنند، صرفاً آموزش را ملاک کار قرار می‌دهند و با وجود استعدادهای بسیاری که در کشور وجود دارد به هنرجویان خود میدان و قدرت مانور نمی‌دهند. او گفت از استادان بسیاری درس آموختم اما هیچ کدام حاضر نشدند من را وارد کاری کنند به همین دلیل به سمت فعالیت‌های خصوصی در این عرصه رفتم.

هدایت‌پور افزود: در اماکن خصوصی کار می‌کنیم و وقتی که این افراد و گروه‌ها زیادتر می‌شوند قیمت دوبله هم پایین‌تر می‌آید و هر کدام سعی می‌کنند برای رقابت نرخ کمتری بگیرند و این ارزش کار را پایین می‌آورد.

به گفته او، آموزش‌هایی که در صنعت

صداپیشگی در ایران ارائه می‌شوند آموزش‌های ارزشمندی است. کلاس‌های زیادی وجود دارد اما هنرجویان به فعالیت‌هایی که در این عرصه وجود دارد راه داده نمی‌شوند.

هدایت‌پور افزود: اساتیدی که کلاس‌های آموزشی برگزار می‌کنند با وعده و وعید هنرجویان را جذب کلاس‌هایشان می‌کنند و پس از اتمام دوره‌ها هنرجویان را کنار می‌گذارند و هنرجویان دیگری جایگزین می‌کنند و این‌س چرخه معیوب همچنان به راه خود ادامه می‌دهد. وی اظهار داشت: با وجود این که هنرجویان بسیاری از شهرستان‌ها به تهران می‌آیند تا آموزش گرفته و وارد بازار کار شوند اما صنعت دوبله در کشور در آستانه نابودی است. هدایت‌پور گفت: در نظر دارم این قبیل اتفاقات را کنار بگذاریم و راه و مسیری برگزینیم که هنرجویان از شهرستان‌ها به صورت رایگان آموزش‌های لازم را فرا گرفته و به صورت حرفه‌ای وارد کارهای جدی شوند.

برگزاری همایش

«با بسته‌های حمایت از وکلای در معرض خطر»

ملت و دفاع از حقوق عامه دارد، تامین شرایط مساعد و فضای مناسب برای فعالیت حرفه‌ای وکلا امری است ضروری. از جمله مقدمات تامین این شرایط کم کردن بار استرس و فشارهای روانی علیه وکلایست. محمدهادی جعفری‌پور، حقوقدان به روزنامه «آرمان‌ملی» گفت: در همین راستا به کوشش وکلای دغدغه‌مند و مدیران کانون وکلای دادگستری منطقه فارس و کهگیلویه و بویراحمد در تاریخ بیست‌ودوم تیرماه همایشی تحت عنوان «با بسته‌های حمایت از وکلای در معرض خطر برگزار خواهد شد که امید داریم این همایش آغاز راهی مبارک برای تداوم توجه به ضرورت‌های حرفه‌ای وکلای دادگستری باشد.

وکالت به عنوان حرفه‌ای تخصصی - خدماتی از جمله حرفه‌های پرمشغله با مسئولیت‌های متنوع است که در این بین هر یک از وکلای دادگستری به فراخور نوع فعالیت حرفه‌ای که به آن اشتغال دارد با چالش‌ها و مشکلات متنوعی مواجه می‌شود. ضرورت کاهش آسیب‌های روحی - روانی ناشی از فعالیت در حرفه وکالت به همراه دفع تهدیدات بالقوه علیه وکلا از آنچنان اهمیتی برخوردار است که ۲۴ ساعته به عنوان روز وکلای در معرض خطر در تقویم جهانی تعریف شده است. با عنایت به این امر که تکالیف تعریف شده برای وکیل دادگستری و به عبارتی وظیفه ذاتی کانون وکلا به عنوان یک نهاد مدنی مستقل ارتباط مستقیم با حقوق